



فصل‌نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

شماره چهل و یکم - پاییز ۱۳۹۸ - از صفحه ۸ تا ۳۲

واکاوی تمثیل رؤیا در رمان‌های «عطر گل یاس» حسن پور منصور و «مادر» محمود گلاب دره‌ای با تکیه بر نظریه کنشگرایی گرماس

حوریه کیخا فرزانه^۱، احمد رضا کیخا فرزانه^{۲*}، مصطفی سالاری^۳

۱- دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

۲- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

چکیده

رؤیا گونگی؛ سفر به عالم ماوراء؛ بازگشت به جهان بیداری؛ واگویی داستان سفر و تحقق عینی تمایل‌های روحانی و معنوی عناصر اصلی شکل‌گیری داستانتان‌هایی با رویکرد تمثیل رؤیاست. سیطره این نوع ادبی و گستره آن از یک سو با اسطوره‌های کهن و از سوی دیگر با مفاهیم کشف و شهود و دست‌یابی به معارف معنوی و الهی پیوند می‌خورد. در بازتاب این نوع ادبی با عنوان تشبیه تمثیل شخصیت اصلی یا کنشگر روایت برانگیخته می‌شود تا با گام گذاشتن به عالم رؤیا فراتر از بیداری به حقیقت و شناخت دست‌یابد و در راه بازگشت با شناخت عمیق و موشکافانه از رمزهای گشوده شده به عالم بیداری بازگردد؛ در این سفر روحانی راهنما و مرشد «راهبر و راهنما» و ضد قهرمان بازدارنده و علائق معنوی یاریگر و استمداد کننده هستند.

اشتراک در ساختار و همگونی در بن‌مایه‌های شکل‌گیری روایت در نوع ادبی تمثیل و الگوی ساختاری کنشگرایی گرماس موجب شد تا با الگوپذیری از این نظریه به تبیین مسیر حرکت شخصیت اصلی روایت‌های «عطر گل یاس» از حسن پور منصور و «مادر» محمود گلاب دره‌ای پردازیم و جنبه‌های مختلف روایت را در سه محور «میل» «انتقال» و «قدرت» مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم تا جنبه‌های تمثیل رؤیا به دقت روشن و آشکار گردد. در هر دو روایت رؤیا محقق می‌شود و در نهایت حضور در عالم بالا و ماورا شکل می‌گیرد به نحوی که در روایت اول با «پدر» مانده و در روایت دوم با «فرزند» زینب السادات وصال معنوی صورت می‌گیرد و پس از تبادل گفتگو و کشمکش تعلقات معنوی و روحانی مانده و مادر حاصل می‌شود و پس از بازگشت از عالم رؤیا رمز گونگی موجود در روایت مکشوف می‌گردد که همان زندگی جاویدان در محضر خداوند و اتصال با حق تعالی است که واگویی مراحل تمثیل رؤیا در این دو روایت است.

واژگان کلیدی: تمثیل رؤیا، رمان عطر گل یاس، مادر، محمود گلاب دره‌ای، الگوی کنشگرایی گرماس

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۱۰

پست الکترونیک نویسنده مسؤول: keikhafarzaneh@lihu.usb.ac.ir

پست الکترونیک: M.salari11@yahoo.com

۱. مقدمه

تمثیل بستر مناسب برای خلق روایت های متفاوت و در کنار هم قراردادن اندیشه های متضاد را فراهم می آورد. ضمن اینکه می تواند موضوع اندیشگی دشوار و چند لایه را، نازل و همه فهم کند و مفهوم آن را در دسترس عموم قرار دهد. تمثیل شیوه ای بلاغی است که گستره ای از منطق و استدلال تا زیبایی شناسی را در برمی گیرد. از مهمترین کاربردهای تمثیل، حکایتی است که معنایی دیگر رادر ورای خود پنهان می کند به همین دلیل، انگیزه های زیادی همچون عشق، ترس، کشف حقیقت، بیان ناپذیری برخی مفاهیم، تأثیر بیشتر در مخاطب و ... نویسندگان را بر آن می داشته تا از این گونه ادبی بهره گیرند.

تمثیل روایتی است که معنایی دوگانه دارد، معنای لفظی یا ظاهری که در واقع داستان خلق شده است و معنای استعاری که همان کردارها یا اشخاص اند یا حتی موضوع هایی همسو و در یک راستا با آن روایت لفظی دارند. تمثیل غالباً نمایه های اخلاقی، فلسفی و سیاسی مشخص و متمایزی دارد که در پیکره نمادهاش جای می گیرد. در این جاست که روایت ظاهری همان معنایی نیست که راوی القاء می کند بلکه این معنا در لایه دیگر، ناگفته و پنهان است. پس لایه دوم داستان «حقیقی» است و ارزش تمثیل و در واقع بنیاد آن در همین لایه قرار دارد.

اما تمثیل رؤیا به عنوان زیر مجموعه ای از گستره پهناور تمثیل به عنوان نوعی ادبی معرفی شده است که توجه مخاطبان را به خود جلب کرده است و در پهنه آفرینش های ادبی به ویژه رمان مورد استفاده قرار گرفته است. این نوع ادبی زمینه ساز سفر به اعماق اندیشه شخصیت های داستان و کشف راز آلوده ترین بن مایه های داستان و در نهایت کشف حقیقی است که محور اصلی خلق یک اثر ارزشمند در عرصه روایت پردازی است.

روایت های تمثیل رؤیا به گونه ای از داستان های تمثیلی اطلاق می شود که در آن ها عناصر واحدی به طور پیوسته و با ترتیبی ثابت تکرار می شوند. در این نوع داستان ها شخصیت اصلی داستان زمینه های ورود به عالم ماوراء را به دست می آورد برانگیخته می شود تا با ورود به عالم رؤیاگون فراتر از بیداری، به حقیقت یا پرسشی دست یابد. در این سفر رازآموزانه و روحانی، راهنمایی، سالک را همراهی می کند و در پایان داستان رهرو رازآموخته می شود، به جهان بیداری باز می گردد و داستانش را بر ای مخاطبان روایت می کند.

تمثیل رؤیا، «داستان سفری در جهان مردگان است که در نهایت به رازآموختگی یا تشرّف می انجامد. کسی که زنده وارد قلمرو مرگ شود، دیگر از مرگ نمی هراسد و از سویی چون موجودات جهان ما ورا

و مردگان از زمان و مکان مادی فراترند و از رازها آگاه‌اند، از بهترین رازآموزندگانند»
(الیاده، ۱۳۶۸: ۱۳۰)

۱-۱. بیان مسئله

واکاوی و شناسایی بن‌مایه‌های روایت در آفرینش رمان به عنوان یک امر مهم در تحلیل و نقد آثار ادبی به شمار می‌آید. بازشناسی این ساختار در روایت و شناسایی ابعاد مختلف و در نهایت هدف اصلی روایت با شناخت کافی از عنصر ادبی با عنوان تمثیل رؤیا به عنوان ابزار واکاوی می‌تواند در تحلیل اثر گذار باشد به ویژه اینکه این بازشناسی با تعیین الگو و شناخت دقیق‌تری صورت بگیرد. در این مقاله برآنیم با بررسی کارکردها در تمثیل رؤیا، ساختار دو روایت را با به کارگیری نظریه‌ای دقیق کنشگرای گرماس توصیف کنیم. تا به الگویی قابل تعمیم در روایت‌های دیگر تمثیل رؤیا دست یابیم. این پژوهش به شناسایی شخصیت‌های دو رمان (عطر گل یاس و مادر) به کنش و عملکرد آن‌ها در سیر روایت می‌پردازد و با محور قرار دادن نقش شخصیت‌ها در شکل‌گیری روایت، کنشگرهای مختلفی چون ۱. فرستنده ۲. گیرنده ۳. موضوع ۴. هدف ۵. یاری‌دهنده ۶. بازدارنده را معرفی می‌کند. شخصیت اصلی (کنشگر اصلی) در طول داستان برای دستیابی به هدف یا اهداف با کنشگرهای مختلف روبرو می‌شود. این کنشگرها در واقع خط سیر روایت داستان را ترسیم می‌کند. با این نگرش می‌توانیم شخصیت‌های رمان «عطر گل یاس» و «مادر» را مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم و باتکیه بر نقش شخصیت‌ها به شناخت اهداف در روایت می‌پردازیم و در لایه‌های زیرین اهداف، عناصر تمثیل رؤیا را در الگوی طراحی شده معرفی می‌کنیم و یاد آور می‌شویم شخصیت اصلی هر روایت چگونه در رؤیا به حقایق از عالم ماورای حقیقت دست می‌یابد.

۱-۲. ضرورت تحقیق

از آنجاکه ادبیات داستانی معاصر و به‌ویژه ادبیات داستانی دفاع مقدس و به‌طور دقیق و علمی به ویژه از منظر به کارگیری تمثیل نقد و تحلیل نشده است و از شیوه‌های جدید نقد و نظریه فاصله دارد؛ شناخت ابعاد مختلف رمان‌های این حوزه و انجام چنین تحقیقاتی ضروری است.

۱-۳. پرسش‌های تحقیق

- جایگاه تمثیل در آفرینش ادبی از نوع رمان به ویژه در ادبیات پایداری به چه میزان است.

۱۱ واکاوی تمثیل رؤیا در رمان های «عطر گل یاس» حسن پور منصوری و «مادر» محمود گلاب دره ای با تکیه بر ...

- نظریه کنشگرای گرماس در بازشناسی عناصر اصلی و ساختاری رمان های «عطر گل یاس» و «مادر» در محورهای مختلف چگونه است.
- آیا سه محور میل، انتقال و قدرت در این رمان قابل تحلیل و بررسی است؟
- بازشناسی عناصر و تحلیل های تمثیل رؤیا در رمان های «عطر گل یاس» و «مادر» چگونه است.

۱-۴. فرضیه های تحقیق:

- تمثیل نه تنها به عنوان یک ابزار بلاغی در گذشته مورد استفاده قرار می گرفته بلکه با تعریفی جدید در آفرینش آثار ادبی جدید از جمله رمان جنگ تأثیر گذار است
- نظریه کنشگرای گرماس با تحلیلی دقیق در ابعاد مختلف جنبه های مختلف شخصیت ها در سیر روایت و تمثیل رؤیا را مورد واکاوی دقیق قرار می دهد.
- هر سه محور: میل، انتقال و قدرت در این تحقیق وجود دارد. محور میل شامل (کنشگر اصلی و اهداف)، محور انتقال شامل (فرستنده و گیرنده) و محور قدرت شامل (یاربگر و بازدارنده) قابل ترسیم است.
- در رمان عطر گل یاس مانده در رویای شبانه اش به دیدار پدر شهیدش می رود و در رمان مادر در رؤیایی صادقانه مادر شهید فرزندش را ملاقات می کند. فرزندی که شب های هر جمعه در کنار مادر می ماند تا سگ های ولگرد برای او مزاحمتی ایجاد نکنند.

۱-۵. روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله توصیفی و تحلیلی است. برای بررسی و واکاوی تمثیل رؤیا در رمان های عطر گل یاس و مادر ن از الگوی کنشگرای گرماس استفاده شده است. این الگو ارتباط شخصیت ها در رسیدن به اهداف روایت را در نمایی زنجیره ای نشان می دهد.

البته از میان رمان های دفاع مقدی در سال ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ تنها این دو رمان وجود داشت که می توان انطباقی با نگرش تمثیل رؤیا ان را تحلیل و بررسی کرد از اینرو این دو رمان مورد بررسی قرار گرفت و دیگر رمان های این دوره از دایره تحقیق خارج شد. برای تحلیل این رمان ها سیر رویدادی رمان با ارائه جزئیات، مختصر اما مفید بیان شده است. سپس شخصیت اصلی یا کنشگر اصلی هر روایت و پس از آن شخصیت های فرعی رمان ها را به ترتیب حضور و نقش آفرینی در سیر روایت معرفی کرده ایم. در ادامه با توجه به نظریه کنشگرای گرماس، رمان را بر اساس شناسایی

کنشگر اصلی و اهداف ابتدا در محور موضوع و اهداف مورد تحلیل و بررسی قرار داده و پس از به معرفی مهم‌ترین و مؤثرترین کنش‌ها و یا به عبارت دیگر موضوع‌ها و شیء‌های ارزشی، می‌پردازیم. به این ترتیب که در ابتدا هدف اصلی، پس از آن اهداف فرعی روایت، شناسایی و معرفی می‌شوند. پس از این مرحله به نوع ارتباط بین کنشگر اصلی با اهداف در محورهای * اتصال/ انفصال، * جانشینی/ هم‌نشینی * ناقص/ کامل * قاطعیت/ شک و تردید و * زمان پرداخته‌ایم و در نهایت در ارتباط با هدف اصلی و یا اهداف فرعی جنبه‌های تحلیلی از تمثیل رؤیا را مطرح کرده‌ایم.

۱-۶. پیشینه تحقیق

اصطلاح تمثیل رؤیا نخست در فرهنگ اصطلاحات ادبی غرب مطرح شد. هرچند پس از سده‌های میانه تمثیل رؤیا از رونق افتاد، این نوع روایتگری از بین نرفت و در دوره معاصر، بارویکردی تازه به این نوع ادبی، روایت‌های تمثیل رؤیا دوباره به ویژه در سینمای معناگرا مورد توجه قرار گرفت. از میان مقالات و پژوهش‌های اخیر می‌توان به مقاله خانم فاطمه فرهودی پور با عنوان «تمثیل رؤیا به مثابه یک نوع ادبی» اشاره کرد که در مجله نقد ادبی به سال ۱۳۹۰ به چاپ رسیده است. در این مقاله با نگرش و انطباق تمثیل رؤیا به استناد پژوهش‌های ساختارگرایان این نوع بلاغی به عنوان یک ابزار امروزی در نگارش‌های ادبی مورد توجه قرار گرفته است. البته این پژوهشگر این مقوله را در مقالات دیگری همچون «اصلاح یک خطا: سرچشمه نوع ادبی تمثیل رؤیا کجاست؟» به جنبه‌های تاریخی و واکاوی خاستگاه تمثیل رؤیا پرداخته است. در مقاله دیگری از اکبر شامیان با عنوان «تمثیل رؤیا در شعر حمیدی» به تحلیل و بررسی شعر نو و پیوند آن با تمثیل رؤیا به ویژه با شعر شاعرانی چون حمیدی پرداخته شده است.

با توجه به پیشینه‌ی ارائه‌شده در خصوص تحقیقات انجام‌شده بیان چند نکته در انتخاب موضوع این تحقیق با عنوان «واکاوی تمثیل رؤیا مبتنی بر نظریه کنشگرای گرماس در رمان‌های عطرگل یاس حسن پور منصوری و مادر محمود گلاب دره‌ای» لازم به ذکر است. بعضی از این تحقیقات صرفاً به موضوع خاستگاه تمثیل رؤیا پرداخته‌اند و یا اینکه اگر به تحلیل آثار پرداخته‌اند؛ با شیوه‌ای سنتی بوده و از کاربرد نظریه‌ای نوین در شناخت عناصر رمان به‌ویژه در شخصیت‌شناسی و هدف محوری رمان بهره نچسته‌اند. لذا این تحقیق در گام اول در انتخاب موضوع به معرفی دو رمان از رمان‌های دفاع مقدس با نام‌های «عطر گل یاس» و «مادر» پرداخته و پس از شناخت کافی از ساختار این رمان‌ها نه تنها به

محور شخصیت شناسی و موضوع محوریاشاره داشته‌اند به واکاوی عناصر تمثیل رؤیا نیز پرداخته است. با این نگرش این تحقیق اولین تلاش در جهت شناخت عناصر رمان در پیوند با تمثیل رؤیا در رمان‌های دفاع مقدس با تکیه بر الگوی کنشگر گرماس است. در ادامه ابتدا به معرفی نظریه و سپس به تحلیل اجزای آن با عنصر تمثیل رؤیا و بازتاب آن در اثر می‌پردازیم.

۲. نظریه کنشگرای گرماس

از جمله مسائل مهم در نقد ادبی، تحلیل و بررسی آثار ادبی منثور، به‌ویژه رمان، بر اساس نظریه‌های ساختارگرا است. یکی از این نظریه‌ها که کم‌وبیش مورد توجه منتقدان و صاحب‌نظران قرار گرفته؛ نظریه آلژیرداس گرماس^۱ زبان‌شناس ساختارگرای فرانسوی است که به تحلیل روایت در عرصه رمان می‌پردازد. تحلیل‌های او در ارائه نظریه‌اش با عنوان کنشگر با اندیشه‌های زبان‌شناسی سوسور و نیز آراء پراپ در شکل‌گیری سیر روایت رمان پیوند تنگاتنگی دارد. او در بیان این نظریه تلاش می‌کند تا به تعریفی جدید از شخصیت دست یابد. از نظر آن‌ها شخصیت به‌عنوان رکن اصلی داستان تحت تأثیر حوادث و اتفاق‌های موجود در داستان مجبور به ایفای نقش می‌شود و کنش او در مقابل این حوادث او را با عنوانی تازه به نام مشارکت‌کننده یا به تعبیر گرماس کنشگر پیوند می‌زند. گرماس بر این امر تأکید می‌ورزید که با تمرکز بر کنشگر اصلی و تعامل و ارتباط او باهدف یا اهداف روایت می‌توان به شناسایی شخصیت‌های رمان دست‌یافت و با تعریفی جدید از بن مایه تحت عنوان اهداف اصلی و فرعی به کاربردهای معنایی در اثر پی برد. بنابراین تلاش کرد تا در تقابل‌های معنایی موجود در سیر روایت رمان، الگویی تحت عنوان کنشگر بر اساس سه محور میل، انتقال و قدرت خلق کند. به‌عنوان مثال *حادثه‌ای* در سیر روایت داستان اتفاق می‌افتد. این حادثه ممکن است دست یافتن به موضوع یا هدفی باشد؛ در این میان عده‌ای تلاش می‌کنند تا این شخصیت اصلی (کنشگر اصلی) به آن هدف یا اهداف دست یابد و دیگران از رسیدن او به این هدف ناخرسند می‌شوند. کسانی حامی و کسانی دیگر ممکن است رقیب او باشند. این تمام طرح و نگرشی است که گرماس آن را طراحی و خلق می‌کند و اذعان دارد که *رویدادها* در این نگرش بازتاب‌دهنده و عامل شناسایی و شناخت شخصیت‌های روایت هستند. با این نگرش، از نظر گرماس، می‌توان یکایک شخصیت‌های رمان را تحلیل و نقش هرکدام را در ارتباط با کنشگر اصلی و اهداف روایت بازتاب داد و بن مایه‌های اصلی

^۱ Algirdas Julien Greimas

روایت را که متأثر از وقایع حقیقی یا غیر حقیقی است را به دست آورد. «گرماس از جمع اندیشمندان پس از فردیناندو سوسور است که در حوزه معناشناسی فعالیت کرده و تلاش می‌کند اندیشه‌های معناشناسی خود را در الگویی ساختاری و نوین ارائه دهد». (احمدی، ۱۳۸۰: ۱۶۵).

به گفته گرماس «از همین شکل‌بندی ابتدایی می‌توان برای ساده‌ترین بازنمود معنی در یک متن یکپارچه و کامل نیز بهره گرفت. متن به صورت نوعی رابطه میان دو جفت از کلمات متقابل درک و دریافت می‌شود. این ساخت برحسب خوانش متن از منظر همنشینی یا جاننشینی، ایستایاپویاست.. لذا براساس این رویکرد "مربع نشانه معناشناختی" شکل می‌گیرد که مقدمه شناخت و ورود به تحلیل روایت می‌شود». (کالر، ۱۳۹۰: ۱۱۶).

بر اساس نظریه گرماس ساختارهای روایی داستان‌های ما ارتباط غیرقابل‌انکاری با ساختارهای زبانی‌مان دارند و در واقع ساختارهای تقابلی زبان ما ساختارهای تقابلی روایت‌هایمان را به وجود می‌آورد.

گرماس پیشنهاد کرده است که شخصیت‌های روایت را باید براساس آنچه انجام می‌دهند (اصطلاح کنش) تعریف و دسته‌بندی کرد نه بر اساس آنچه هستند؛ زیرا آنچه درامتداد سه محورفاعل به مفعول و مفعول غیرمستقیم و ادات در روایت شرکت می‌کنند؛ عبارتند از برقراری ارتباط، طلب، کاوش و آزمایش دشوار. از آن جایی که مشارکت و حضور عناصر مرتبط در ساختار کلام درگروه‌های دوتایی قرار می‌گیرد، «دستیابی بی پایان شخصیت‌ها به نقش اثر گذار خود، به وسیله ساختار جاننشینی که در طول روایت به نمایش گذاشته می‌شود، محدود می‌گردد (فاعل - مفعول/ اهداکننده/ دریافت کننده/ یاری رسان/ رقیب). لذا تعریف هر شخصیت بر مبنای میزان اثر گذاری او در گستره کنش‌هاست و این گستره محدود و معمولی و دسته‌بندی شدنی است» (گرین، لبیهان، ۱۳۷۳: ۱۱۱-۱۱۳).

به گفته گرماس هر جمله را می‌توان به یک نمایش تشبیه کرد: نقش‌ها در این بازی خیالی همواره یکسان هستند: "فاعل" بر "مفعول" اثر می‌گذارد. این نقش‌ها را **کنشگران** متفاوتی بازی می‌کنند. اما برنامه‌ی این نمایش دستوری هرگز تغییر نمی‌یابد «...گرماس سپس با عبور از سطح ساختار دستوری جمله (سطح درون زبانی) به سطح حوادثی که در جمله بیان می‌شود (سطح برون زبانی) می‌رسد. در این سطح "نقش‌های" این نمایش خیالی را "کنشگران" بازی می‌کنند. این نقش‌ها شش مقوله را شامل می‌شوند که عبارتند از: فاعل، مفعول، فرستنده، گیرنده، یاریگر، مخالف» (اشمیتش، ۱۳۹۰: ۷۰-۷۱).

گرماس روند ساختار در داستان را به صورت هنجارهای پیرنگ تشریح می کند، ابتدا کشمکش اولیه داستان سپس گره گشایی، مبارزه و آشتی، جدایی و در نهایت وصال.

«فرستنده یا تحریک کننده: عامل یا نیرویی که کنشگر را به دنبال خواسته یا هدفی می فرستد. گیرنده: کسی است که از کنش کنشگر سود می برد. کنشگر اصلی: معمولاً مهمترین شخصیت داستان است که کنش اصلی را انجام می دهد و به سوی شیء ارزشی خود می رود. شیء ارزشی: هدفی است که کنشگر به سوی آن می رود و عملش را بر روی آن انجام می دهد. بازدارنده (حریف): کسی است که از رسیدن کنشگر اصلی به شیء ارزشی ممانعت می کند. کنشگر یاری دهنده (یاور) او کنشگر اصلی را یاری می دهد تا به شیء ارزشی برسد» (Hebert, 2011: 71).

«کنش»؛ عملکرد شخصیت یا شخصیت های مهم داستان است که در روند روایت داستان نقش آفرین است (Hebert, 2011: 71). این تعریف مختصه ی تعیین کننده و حیاتی تحلیل پراپ و گرماس است. از آنجایی که این نظریه حول محور "حوادث و رویدادهای روایت" و کنش های شخصیت اصلی و شخصیت های دیگر داستان رقم می خورد؛ نقش کنشگران در ارتباط با شخصیت اصلی در الگویی از پیش طراحی شده مشخص می شود.

اصول اصلی در ارتباط "کنشگر اصلی" با "شیء ارزشی" یا "هدف":

• اتصال / انفصال.

• جانشینی / همنشینی.

• کامل یا ناقص.

• قاطعیت / شک و تردید.

• نگرش زمان به سیر روایت.

* همانطور که پیش از این گفته شد از بین کنش های مختلفی که در سیر روایت داستان وجود دارد، مهم ترین کنش ها که مؤثر در شکل گیری روایت دخیل هستند انتخاب می شوند. در صورتی که ارتباط میان کنشگر اصلی با اهداف یا همان کنش های مؤثر در سیر روایت داستان از ابتدا تا انتهای روایت رابطه ای همگرا و مکمل باشند، این نوع رابطه را متصل و در غیر این صورت رابطه را منفصل می گوئیم.

* اگر در سیر روایت کنشگر اصلی تنها به شیء ارزشی یا هدف کلی بپردازد و در صدد تحقق آن باشد این نوع ارتباط را رابطه همنشینی و در صورتی که کنشگر اصلی به جای پرداختن به هدف اصلی در

صدد تحقق اهداف دیگر بوده و به انجام کنش‌های دیگری پردازد این نوع ارتباط را جانشینی می‌گویند.

* اگر کنشگر اصلی، کنش اصلی یا همان هدف کلی را به سرانجام برساند و در انجام آن تحقق قطعی صورت بگیرد آن را کامل و در غیر این صورت اگر کنشگر اصلی در تحقق هدف اصلی ناکام بماند آن را ناقص می‌نامیم.

* اگر کنشگر اصلی در تحقق اهداف دچار شک و تردید شود آن ارتباط را شک و تردید و در غیر این صورت اگر کنشگر اصلی مصمم به انجام اهداف باشد این نوع ارتباط را قاطعیت می‌نامیم.

* طبقه بندی و ارتباط کنشگر و اهداف ممکن است به لحاظ زمانی متفاوت باشد، نه تنها از لحاظ مشاهده گر، بلکه به عنوان تابعی از زمان. بنابراین می‌توان (وگاهی اوقات باید) برای هر مشاهده گر و هر موقعیت زمانی مربوط به یک عمل خاص یک مدل actantial تعیین نمود. انواع مختلفی از زمان و یا زمانمندی وجود دارد: زمان به گونه‌ای که در داستان ارائه شده (ترتیب زمانی وقایع در داستان)، زمان روایت (ترتیبی که در آن وقایع داستان ارائه شده است)، و زمان تاکتیکی (توالی خطی واحد معنایی به عنوان مثال، از یک جمله به جمله بعد).

۲-۵-۶. الگوی تصویری نظریه گرماس



۳. تمثیل رؤیا:

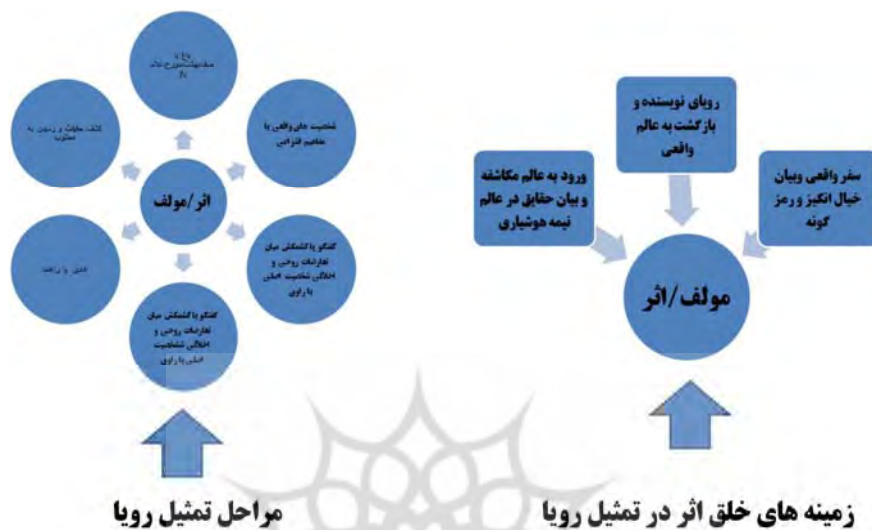
تمثیل رؤیایی یا به عبارت دیگر dream visin داستانی تلقی می‌شود که در چهارچوب روایت ارائه شده باشد؛ این نگرش به ویژه در قرون سطی مورد توجه قرار گرفته بود؛ بازی دقیق، شگرف در شخصیت‌ها و اشیاء نمادین در سبک نویسندگان به وجود می‌آورد از برجسته‌ترین آثار این نگرش و خاستگاه می‌توان به قسمت اول دل لا روز در قرن ۱۳ و کتاب Chaucer در سال ۱۳۶۹ م و plowman (۱۳۶۲-۱۳۸۷ م) اشاره کرد. (دایره المعارف برنیکا)

خاستگاه رؤیا ضمیر نوهشیار آدمی است از اینرو معنایی ارادی و مشخصی ندارد کاربست این نگرش عما از جانب نویسندگان برای استعانت و آفرینش داستان گاهی طراحی و تعبیه می‌شود. این رؤیا و سفر خیالی که ریشه در ناخودآگاه آدمی دارد اغلب رمز گونه و نمادین است و برگرفته از تعالیم معنوی و روحانی است. الیاده بر این باور است که سفر به عالم ماورا سیر و سیاحت در عالم بهشت و ماورای الطبیعه اسطوره آزمون است و اینگونه اسطوره‌ها در زمره آزمون‌های رازآموزی شمرده می‌شوند (الیاده، ۱۳۷۶: ۳۹۹).

قراردادها و کارکردهای معنادار و مؤثر در شکل‌گیری تمثیل رؤیا *off dream allegory* در قالب و شکل طراحی شده‌ای قابل ترسیم است. در این قالب و تصویر در برخورد با مسئله‌ای دچار شک و تردید می‌شود و یا خواسته‌ای قلبی و احساسی را جستجو می‌کند و در پی یافتن راه حلی می‌گردد. تمهید مقدمات برای ورود او به عالم رؤیا با حالتی خارج از عالم حقیقت و واقع برای او فراهم می‌شود و سیر روایت را باور پذیر می‌کند. با تنها شدن قهرمان و شخصیت اصلی روایت و در نهایت رهنمون شدن «راهنما» گره‌گشایی می‌کند. از ورای سفر بر می‌گردد و با گذر از آزمون‌های دشوار به حقیقتی دست می‌یابد. راز، رفع نیاز می‌کند و حقیقت «تشریف» حاصل می‌شود. به جهان واقعیت بر می‌گردد و روایت تداوم می‌یابد. در این مسیر ضد قهرمان و بازدارنده نیز در صدد انحراف و عدم رفع نیاز بر می‌آید اما سرانجامی ندارد (نک. فرهودی پور و دیگران «اصلاح یک خطا، سرچشمه نوع ادبی تمثیل رؤیا کجاست؟»، ادبیات تطبیقی: ۴).

«اینگونه سفرها سه جنبه پیدا می‌کنند: اول آنکه خود نویسنده رؤیا می‌بیند و پس از بازگشت از عالم رؤیا به واقع و هوشیاری به نقل رویای خود می‌پردازد؛ دیگر آنکه در حالتی نیمه هوشیار و یا در خلسه و مکاشفه‌ای روحانی اتفاق می‌افتد و یا اینکه سفری واقعی رخ می‌دهد اما هنگام شرح آن سفر بعدی رؤیایی و رمزآلود به خود می‌گیرد (نک. حمیدی، سید جعفر «تمثیل رؤیا در شعر معاصر ایران، ۱۳۸۴، پژوهش‌های ادبی، شماره ۹ و ۱۱۴: ۱۰).

در ذیل قالب اولیه و شکل تصویری از تمثیل رؤیا و شکل گیری آن در ساختار روایت نشان داده شده است.



۴. بحث

در این بخش به طور خلاصه سیر روایت هر کدام از این رمان‌ها ارائه می‌شود و با توجه به نظریه کنشگرایی گرماس ساختار روایت معرفی و جنبه‌های تمثیل رؤیا شناسایی و تحلیل می‌شود.

«عطر گل یاس»

سیر رویدادی رمان:

روایت داستان از قلمه زدن «گل رز» توسط باغبانی پیر در پارک محله آغاز می‌شود. قلمه‌ی گل رز متعلق به دختری ۱۱ ساله به نام «مائده الهی» فرزند شهید مهندس «داوود الهی» است. مائده پس از آنکه قلمه‌ی گل رز را از باغبان پیر می‌گیرد؛ به سمت منزل حرکت می‌کند، در مسیر به گل فروشی سر خیابان می‌رود. درگل فروشی «گل رز قرمزی» توجه او را جلب می‌کند. در کنار گل می‌نشیند و غنچه‌های آن را نوازش می‌کند. در همین حال از مادرش «سرور» و تنهایی او و دیر شدنش، نگران می‌شود و تصمیم می‌گیرد زود به خانه برگردد. تمام فکر و ذکر مائده، قلمه‌ی گل رزی است که از باغبان گرفته است. تقریباً از ۲۲ بهمن تمام سوژه‌های نقاشی مائده گل است. بخصوص گل رز سرخ.

گفتگوهای دل انگیز او با قاب عکس پدرش هر روز ادامه دارد. «دایی عباس» مائده به تهران محل زندگی آنها می‌آید. او بسیجی زمان جنگ است که پس از پایان جنگ در رامسر به پرورش گل می‌پردازد. حالا او به کیش رفته تا گل‌هایش را بفروشد و در مسیر بازگشت، آمده است تا از خواهر و خواهر زاده‌اش احوال بپرسد. پاسخ همه‌ی سؤال‌هایی که از مائده درباره‌ی پرورش گل رز می‌پرسند؛ این است که پدرم از گل رز خوشش می‌آید. برای همین است که تمام عشق و علاقه‌ی مائده در پرورش گل رز خلاصه می‌شود. در این میان مادرش «سرور» هر از چند گاهی با این عبارت «فدایت شوم، عزیز دلم خوش آمدی» با «پدر مائده» سخن می‌گوید. «بوی عطر گل یاس» در همین لحظات در فضای خانه پیچیده می‌شود. مائده تصمیم می‌گیرد در ملاقات‌های دیگری که با باغبان پیر و صاحب‌دل دارد از پروراندن گل رز سرخ و راز دلش با او سخن بگوید، رازی که او به باغبان می‌گوید این است که «می‌خواهد این گل رز را بر مزار پدر شهیدش برده و به او هدیه بدهد؛ باشد که پدرش با او هم صحبت کند»؛ چون دلش برای پدرش تنگ شده است. مائده در کلاس پنجم درس می‌خواند، معلم او «خانم مقدم» از او درباره گل رز سؤال می‌کند و همه دوستانش از جمله «فرزانه» از موضوع پرورش گل رز او مطلع می‌شوند. «هفته معلم» فرا می‌رسد. همه‌ی دانش آموزان تصمیم می‌گیرند برای معلم خود هدیه‌ای تهیه کنند. مائده که گل رزش دو تا غنچه‌ی قشنگ دارد، دو دل شده است که این گل‌دان را به چه کسی هدیه کند به «معلمش» یا به «پدرش». از «دایی عباس» و مادرش «سرور» و «باغبان پیر آقای سید علی رضوی» سؤال می‌کند. همه آنها تصمیم گیری را به خود مائده محول می‌کنند. مائده بالاخره تصمیم می‌گیرد این گل‌دان را به معلمش هدیه بدهد چون پدرش در الهامی دل انگیز از مائده خواسته که گل‌دان را به معلمش که در امر تعلیم و تربیت او تلاش می‌کند؛ هدیه بدهد. در این بین در ملاقاتی بین دایی عباس و باغبان صاحب‌دل، دایی عباس به یاد می‌آورد که این باغبان همان راننده لودر در زمان جنگ است که پس از زخمی شدن؛ در حالی که آمپول بیهوشی نیست؛ از پزشک جراح می‌خواهد بدون تزریق آمپول بیهوشی او را عمل جراحی کند. بعد از عمل جراحی دیگر کسی از او خبردار نشده است. حالا او باغبان پارک محله‌ای است که قلمه‌ی گل رزی را به مائده هدیه کرده است. سرانجام مائده و همه دانش آموزان با دسته‌های گل بر مزار شهیدان می‌روند. و باغبان صاحب‌دل با گل‌دانی در کنار آنها حاضر می‌شود. بوی عطر گل یاس در فضا پراکنده می‌شود.

شخصیت اصلی رمان: «مائده الهی» نوجوان ۱۱ ساله دانش آموز کلاس پنجم دبستان است. شخصیت اصلی رمان است.

شخصیت‌های فرعی رمان:

۱. سرور، مادر مائده الهی.
۲. دایی عباس؛ دایی مائده
۳. داوود؛ پدر مائده.
۴. آقای طاهری؛ راننده سرویس مائده.
۵. زن دایی؛ زن دایی عباس.
۶. سید علی رضوی؛ باغبان پیر محله.
۷. فرزانه؛ همکلاسی مائده.
۸. خانم مقدم؛ معلم مائده.
۹. شیرین و فرهاد، فرزندان دایی عباس.
۱۰. مریم و داوود؛ فرزندان خانم مقدم.

محور میل: موضوع (کنشگر اصلی)/شی ارزشی (هدف)

کنشگر اصلی در این روایت «مائده الهی» است همه اتفاقات و رویدادها در کنش و تعامل به این شخصیت به وجود می‌آید. مائده با باغبان پیر و صاحب‌دل ملاقات می‌کند و از او می‌خواهد که قلمه‌ای از گل رز برایش تهیه کند. این مائده است که تلاش می‌کند با پرورش گل رز سرخی که مورد علاقه‌ی پدرش است از دل‌تنگی‌هایش دور شود و در نهایت با پدر شهیدش سخن بگوید و در نهایت مائده است که با تقدیم گل رز سرخ به معلمش با پدرش هم‌کلام می‌شود و عطر گل یاس را استشمام می‌کند. از اینرو کنشگر اصلی این روایت «مائده الهی» فرزند شهید داوود الهی است. شی ارزشی (هدف): هدف اصلی این روایت در پرورش گل رز و تقدیم این گل توسط مائده به معلمش، خلاصه می‌شود. مائده با پرورش این گل تمایل به وصال معنوی به پدر شهیدش را دارد و تصمیم دارد در ابتدا با تقدیم این گل با پدرش صحبت کند. از این رو هدف اصلی این روایت «وصال معنوی مائده الهی به پدر شهیدش» است.

نوع رابطه کنشگر اصلی با اهداف:

*اتصال / انفصال: بین کنشگر اصلی و هدف در این رمان ارتباط «اتصال» است. چرا که پیوند بین «مائده الهی» و هدفش «وصال معنوی به پدر شهیدش» در یک راستا بوده و مائده تلاش می‌کند در سیر

روایت تمام زمینه‌ها را برای این اتصال فراهم نماید. ازاینرو جنس کنش‌های مائده و هدف از یک نوع است و رابطه اتصال را اثبات می‌کند.

* جانشینی / همنشینی: از آنجایی که رابطه‌ی بین کنشگر اصلی و هدف از نوع اتصال است؛ بنابراین رابطه همنشینی بین کنشگر اصلی و هدف وجود دارد.

* کامل / ناقص: دستیابی مائده الهی به هدفش به صورت کامل صورت می‌پذیرد. در انتهای روایت مائده با پدرش سخن می‌گوید و به نقل از کلام پدر تصمیم می‌گیرد گل رز را به معلمش تقدیم می‌کند.

* قاطعیت / شک تردید: کنشگر اصلی مائده الهی در دستیابی به هدفش دچار تزلزل نشده و قاطعیت دارد.

* زمان: زمان در سیر روایت متناسب با رویداد و اتفاقاتی است که روی می‌دهد. از این رو تحلیل زمان بر اساس رویدادهای روایت شکل گرفته است؛ لذا ما در ارتباط با هدف و کنشگر اصلی دوره‌های زمانی مشخص و تفکیک شده‌ای که نویسنده به آن اشاره کرده باشد؛ نداریم. لذا کنش‌های مهم و تأثیر گذار بر اساس روند کلی روایت انتخاب شده است.

محور انتقال: فرستنده / گیرنده

آنچه باعث می‌شود مائده تلاش کند تا به وصال معنوی با پدر شهیدش نائل شود و او را به انجام این هدف سوق می‌دهد «دلتنگی مائده الهی» است. لذا فرستنده در این روایت «دلتنگی‌های مائده الهی» است. همچنین پس از دستیابی مائده به هدفش که گفتگو و وصال معنوی با پدر شهیدش است؛ خودش و مادرش (سرور) و باغبان پیر و دایی عباس هستند؛ که شادمان و مشعوف می‌شوند؛ لذا گیرنده یا (ذینفع‌های) اصلی مرتبط با هدف اصلی این روایت، مائده الهی، مادرش، دایی عباس، و باغبان پیر هستند.

محور قدرت: یاریگران و بازدارندگان

یاریگران و همراهان مائده الهی در دستیابی به هدفش در این روایت «باغبان پیر و صاحب‌دل آقای سید علی رضوی»، «سرور» مادر مائده و «دایی عباس» هستند. آن‌ها تلاش می‌کنند با تشویق و همراهی با مائده در پرورش گل رز سرخ به او کمک می‌کنند؛ لذا یاریگران مائده در دستیابی او به هدف اصلی باغبان پیر آقای سید علی رضوی، سرور، دایی عباس هستند. علاوه بر آن همکلاسی‌ها و راننده

سرویس مدرسه آقای طاهری یاریگران فرعی مرتبط با هدف اصلی هستند و اما نکته مهم در این روایت عدم وجود باز دارنده است. و شخصیت‌های این روایت هیچ کدام نقش بازدارنده ندارند.

تحلیل مبتنی بر تمثیل رؤیا:

به استناد تحلیل ارائه شده شخصیت اصلی این روایت مائده تلاش می‌کند از عالم واقعیت رهایی یافته و با هدیه‌ای از جنس گل با پدر شهیدش ملاقات کند؛ آنچه پیش از او مادرش به این مهم دست یافته است. از اینرو سفر به عالم رمز گونه شهید در عالم بالا توسط مائده اتفاق می‌افتد و رمز گونگی آن در روایت مشهود است. اما بنا بر شکل تمثیل رؤیا که پیش از این مطرح شد کشمکش درونی شخصیت اصلی روایت در تقدیم گل به پدر شهیدش یا معلمش نمود پیدا می‌کند و در نهایت به سفارش پدر این شاخه گل تقدیم به معلمی می‌شود که برای تربیت مائده اثر گذار است. در نهایت با ارشاد و راهنمایی پیر گل فروش که در این روایت همان مرشد و راهنما و یاریگر است دانش آموزان هم کلاسی مائده بر مزار شهدا حضور می‌یابند و رمز گونگی روایت با استشمام عطر گل یاس به سرانجام می‌رسد.

الگوی نهایی رمان: عطر گل یاس



گلاب دره‌ای «مادر»

سیر رویدادی رمان:

گفتگوی میان نگهبان قبرستان و پیرزنی که بر مزار فرزند شهیدش چادری بر پا می‌کند؛ آغازگر سیر ابتدایی رمان است. نگهبان قبرستان از پیرزن می‌خواهد که شب هنگام قبرستان را ترک کند؛ چرا که برای او مسؤولیت دارد، اما پیرزن لجبازتر از این حرف‌هاست، نگرانی نگهبان از حضور پیرزن بیشتر به خاطر سگ‌های هاری است که شب هنگام در قبرستان سر و کله‌شان پیدا می‌شود؛ اما پیرزن این

حرف‌ها حالیش نیست و میخ‌های چادر را محکم بر اطراف مزار فرزندش می‌کوبد. پیرزن به یاد آن روز می‌افتد که پسرش بعد از سه ماه تابستان کار کردن توی خاک و خل و روغن‌های کثیف مکانیکی، دستمزش را گرفته و رفته بود همین چادر را بخرد تا درکوهستان با او همراه باشد؛ اما پیرزن حالا دارد همان چادر زهوار درفته را بر مزار فرزندش بر پا می‌کند تا در آن اسکان یابد. «پیرزن» روایت همان «زینب السادات» است که با رخت شویی و کلفتی در خانه دیگران «عزیز» تنها فرزندش را بزرگ کرده بود. «پدر عزیز» در واقعه‌ی سی تیر قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به شهادت می‌رسد و زینب السادات حالا در منزل «سد سقا» مستأجر است. بعد از آن که «عزیز» به جبهه می‌رود و بعد سه ماه خبر شهادتش را می‌آورند «سد سقا»، «زینب السادات» را از خانه‌اش بیرون می‌کند. «زینب السادات» مادر «عزیز» که حالا دیگر جایی را ندارد؛ کوله پشتی و چادر «عزیز» را برداشته و بر مزار او آمده است. هر چه دیگران تلاش می‌کنند تا «زینب السادات» را شب‌ها از مزار فرزندش به خانه برگردانند؛ افاقه نمی‌کند. حتی «صغری خانم» همسایه «زینب السادات» هم نمی‌تواند او را راضی کند تا به خانه برگردد. خاطرات گذشته در چادر بر پا شده بر مزار عزیز در ذهن «زینب السادات» مرور می‌شود. «عزیز» سه ماهه بوده است که پدرش «عباس مظلومی» در واقعه‌ی سوم تیر به شهادت می‌رسد. «عزیز» به دلیل خواندن انشایی برای معلمش در زمان شاه پهلوی از مدرسه اخراج می‌شود. بعد از پیگیری‌های «زینب السادات»؛ «عزیز» دوباره در مدرسه‌ی تبعیدی‌ها ثبت نام می‌شود؛ اما این هم طولی نمی‌کشد که از آنجا نیز اخراج می‌شود. چون «عزیز» آنجا هم به علیه شاه شعار می‌دهد و سرانجام در مکانیکی همان محله مشغول به کار می‌شود.

«عزیز» برای «سد سقا» احترام زیادی قائل است و در عین حالی که او بارها به او و مادرش بی‌احترامی کند؛ عزیز به خاطر جدش با او ترش رویی نکرده است؛ شاید علت دیگر احترام عزیز به سد سقا علاقه «عزیز» به «مریم» دختر «سد سقا» باشد. حالا بعد از مرور خاطرات این سگ‌های هار هستند که هر شب پوزه بر چادر «زینب السادات» بر مزار «عزیز» می‌کشند و ترس و وحشت را در جسم و روح او شعله ور می‌کنند. اما «زینب السادات» دست بردار نیست. گفتگوی هر شب او با «عزیز» ادامه دارد. «شب جمعه» فرا می‌رسد «زینب السادات» منتظر ملاقات با فرزندش «عزیز» است؛ در همین اثنا پسر و دختر جوانی از دور به سمت چادر «زینب السادات» می‌آیند؛ «مریم» دختر «سد سقا» است که به همراه «قاسم» برادرش بر سر مزار عزیز آمده‌اند. «عزیز» و «مریم» پیش از این با هم ازدواج کرده بودند و «قاسم» هم با پدرش «سد سقا» درگیر شده و «سد سقا» را به کمیته می‌برند و او متعهد می‌شود ضمن عذرخواهی «زینب السادات» را به خانه برگرداند. «زینب السادات» ضمن ابراز محبتی که به مریم و

قاسم دارد؛ آن‌ها را بدرقه می‌کند ولی با آنها به خانه بر نمی‌گردد؛ چون منتظر ملاقات با «عزیز» است. لحظاتی بعد صدایی دلنواز در ذهن زینب السادات زمزمه می‌شود، این «عزیز» است که در عالم خواب به مادرش می‌گوید که سه هفته است که به دلیل مراقبت او از سگ‌های هار به همراهی آقای طالقانی به کربلا و دیدار حضرت امام حسین (ع) نرفته است و می‌گوید کاش مادرش هم شهید شده بود تا با او به دیدار آقا می‌رفتند. «زینب السادات» از خواب بیدار می‌شود و متوجه صدای دو نفر مهاجم می‌شود که در قبرستان حضور دارند. آن‌ها به دلیل حضور خبرنگاران در کنار «زینب السادات» و تبلیغات موثری که علیه دشمنان صورت گرفته، آمده‌اند تا این پیرزن را با چادرش آتش بزنند. «زینب السادات» خودش را از داخل چادر به کنار درختان کاج می‌رساند، اما آنها چادر را آتش می‌زنند. با حضور نگهبان قبرستان و قاری قرآن و مهاجمین فرار می‌کنند. سگ‌های هار در بیرون قبرستان جز تکه‌هایی از آن دو، چیز دیگری باقی نمی‌گذارند. فردای آن روز مردم بر مزار «عزیز» در حالی که زینب السادات بر سکوی بلندی در حال روضه خواندن و مرثیه سرایی است؛ حاضر می‌شود و با شمع بر دست تا دیر هنگام بر مزار شهدای خود ناله و مرثیه سرایی می‌کنند.

شخصیت اصلی رمان:

«زینب السادات» شخصیت اصلی این رمان است

شخصیت‌های فرعی رمان:

۱. عزیز؛ فرزند زینب السادات که در جبهه به شهادت می‌رسد.
۲. عباس مظلومی؛ پدر عزیز که در واقعه‌ی سی تیر به شهادت رسیده است.
۳. نگهبان قبرستان.
۴. قاری قرآن در قبرستان.
۵. صغری خانم، همسایه زینب السادات.
۶. «سد سقا» صاحبخانه زینب السادات.
۷. مریم دختر «سد سقا».
۸. قاسم پسر «سد سقا».
۹. مرتضی و مجتبی از دوستان پدر.
۱۰. دو نفر مهاجم در قبرستان که چادر زینب السادات را آتش می‌زنند.
۱۱. مهندس حسامی دوست پدر «عزیز».

تحلیل نظریه گرماس

محور میل: موضوع (کنشگر اصلی)/شی ارزشی (هدف)

کنشگر اصلی این روایت «زینب السادات» مادر «عزیز» است. مهم‌ترین و تأثیر گذارترین کنش او در این روایت، اقامت بر مزار «عزیز» در قبرستان است، این اقامت که ناشی از در به دری و بی خانمانی اوست، منجر به وصال معنوی به فرزند شهیدش؛ عزیز می‌شود. اغلب کنش‌های این روایت حول محور «زینب السادات» شکل می‌گیرد؛ از این رو کنشگر اصلی این روایت «زینب السادات» است. شی ارزشی (هدف): آنچه زینب السادات درصدد دستیابی به آن است؛ وصال معنوی به فرزند شهیدش «عزیز» است. لذا بر مزار او چادر بر پا کند و شب و روز با فرزندش سخن می‌گوید. هر چند عده‌ای تلاش می‌کنند تا او را از مزار به خانه برگردانند؛ سودی ندارد. علاوه بر این او در نهایت بر مزار «عزیز» برای خانواده‌های شهدا سخنرانی می‌کند و آنها را با اهداف شهدا آشنا می‌کند، از این رو ما با دو هدف مواجهیم، هدف اصلی «وصال زینب السادات به فرزند شهیدش عزیز» و هدف فرعی این روایت، «آگاهی بخشی خانواده‌های شهدا با اهداف و آرمانهای شهیدان» است.

نوع رابطه کنشگر اصلی با اهداف:

* اتصال/انفصال: ارتباط کنشگر اصلی روایت «زینب السادات» با اهداف از نوع اتصال است. «وصال زینب السادات به فرزند شهیدش عزیز» و «آگاهی بخشی به خانواده شهدا» از نوع اتصال است. این اتصال از آنجا قابل اثبات است که در انتهای روایت خانواده‌های شهدا بر مزار عزیزان خود رفته و تا دیرنگام بر مزار آنها مرثیه سرایی می‌کنند.

* جانشینی / همنشینی: از آنجایی که رابطه کنشگر اصلی با اهداف از نوع «اتصال» است بنابراین رابطه همنشینی بین کنشگر اصلی و اهداف وجود دارد.

* کامل / ناقص: اهداف این روایت «وصال زینب السادات به فرزندش عزیز» و آگاهی بخش خانواده‌های شهدا به صورت کامل محقق می‌شود. عزیز فرزند زینب السادات به دیدار او می‌آید و ابراز می‌کند که در طی هفته‌های گذشته او بوده است که در مقابل سگ‌های هار از مادرش محافظت کرده است و هدف فرعی بعد از آتش گرفتن چادر زینب السادات توسط مهاجمین به قبرستان بعد از حضور خانواده‌ی شهدا و همراهی با او در سوگ عزیزان از دست رفته‌شان نیز محقق می‌شود. لذا اهداف به صورت کامل محقق می‌شود.

* قاطعیت / شک تردید: «زینب السادات» در دستیابی به اهداف خود در این روایت «قاطعیت» دارد، لذا

با وجود ترس و مزاحمت سگ‌های هار و مهاجمین به قبرستان و سفارش همه کسانی که از او می‌خواهند به خانه برگردد، باز هم بر تصمیم خود راسخ است و دچار شک و تردید و تزلزل نمی‌شود. از این رو او در تحقق اهدافش قاطعیت دارد.

* **زمان:** زمان در سیر روایت متناسب با رویداد و اتفاقاتی است که روی می‌دهد. از این رو تحلیل زمان بر اساس رویدادهای روایت شکل گرفته است؛ لذا ما در ارتباط با هدف و کنشگر اصلی دوره‌های زمانی مشخص و تفکیک شده‌ای که نویسنده به آن اشاره کرده باشد؛ نداریم. لذا کنش‌های مهم و تأثیر گذار بر اساس روند کلی روایت انتخاب شده است.

محور انتقال: فرستنده / گیرنده

آنچه «زینب السادات» را به دستیابی اهدافش سوق می‌دهد "تعلق خاطر زینب السادات به تنها فرزندش «عزیز» است. این عامل به عنوان فرستنده‌ی اصلی مرتبط با هدف اصلی مد نظر است. اما عامل دیگری نیز به عنوان فرستنده نیز وجود دارد. «سد سقا» صاحبخانه‌ی زینب السادات به علت عدم پرداخت اجاره؛ او را از خانه بیرون می‌کند. این عامل به عنوان فرستنده‌ی فرعی مرتبط با هدف اصلی نیز مطرح نظر است. از طرف دیگر «احساس وظیفه و مسئولیت پذیری زینب السادات در قبال شهدا» نیز عامل اصلی در دستیابی زینب السادات به هدف فرعی است. از این رو «احساس وظیفه و مسئولیت پذیری زینب السادات» به عنوان فرستنده‌ی اصلی مرتبط با هدف فرعی نیز باید ذکر شود. از دستیابی زینب السادات به اهداف این روایت عده‌ای سود می‌برند. «زینب السادات» به عنوان گیرنده (ذینفع) اصلی مرتبط با هدف اصلی قابل ذکر است. از طرف دیگر «مریم» نامزد عزیز نیز به عنوان گیرنده (ذینفع) فرعی نسبت به هدف اصلی قابل بیان است. اما ذینفع‌های اصلی مرتبط با هدف فرعی خانواده‌های شهدا در قبرستان محل اقامت زینب السادات هستند.

محور قدرت: یاریگران و بازدارندگان

در مسیر دستیابی زینب السادات به اهداف «صغری خانم» همسایه زینب السادات، قاسم و مریم فرزندان «سد سقا» یاریگران اصلی مرتبط با هدف اصلی هستند و یاریگران اصلی مربوط به هدف فرعی خانواده شهدا و یاریگران فرعی مرتبط با هدف فرعی خبرنگاران و مصاحبه کنندگان با زینب السادات بر مزار شهدا هستند. از طرف دیگر نگهبان قبرستان و قاری قرآن و دو نفر مهاجم به زینب السادات که چادر او را آتش می‌زنند باز دارنده‌های اصلی مرتبط با هدف اصلی و ترس زینب السادات

از سگ‌های وحشی بازدارنده‌ی فرعی مرتبط با هدف اصلی است.

تحلیل مبتنی بر تمثیل رؤیا:

<p>فرستنده</p> <p>فرستنده اصلی مربوط به هدف اصلی:</p> <p>تعلق خاطر زینب السادات</p> <p>به تنها فرزندش عزیز</p> <p>فرستنده‌های فرعی مرتبط با هدف اصلی:</p> <p>سد سقا صاحبخانه زینب السادات</p> <p>فرستنده‌ی اصلی مربوط به هدف فرعی:</p> <p>احساس وظیفه و مسئولیت‌پذیری زینب السادات در قبال شهدا</p>	<p>الگوی نهایی رمان: مادر</p> <p>گیرنده:</p> <p>ذینفع اصلی مربوط به هدف اصلی:</p> <p>زینب السادات</p> <p>ذینفع فرعی مرتبط با هدف اصلی:</p> <p>"مریم" همسر عزیز</p> <p>ذینفع‌های فرعی مرتبط با هدف فرعی:</p> <p>خانواده‌های شهدا</p>	
<p>نوع ارتباط بین کنشگر اصلی و اهداف</p>		
<p>یارنگر:</p> <p>یارنگران اصلی مربوط به هدف اصلی:</p> <p>صفری خانم، قاسم و مریم فرزندان سد سقا</p> <p>یارنگران اصلی مربوط به هدف فرعی:</p> <p>خانواده شهدا</p> <p>یارنگران فرعی مربوط به هدف فرعی:</p> <p>خبرنگاران و مصاحبه‌کنندگان با زینب السادات</p>	<p>اتصال / انفصال. اتصال</p> <p>جانشینی / هم‌نشینی. هم‌نشینی</p> <p>کامل یا ناقص. کامل</p> <p>کامل</p> <p>کاملیت / شک و تردید. قاطعیت</p> <p>کنشگر اصلی: «زینب السادات»</p> <p>زمان: سیر روایت</p>	<p>هدف (شی ارزشی)</p> <p>هدف اصلی:</p> <p>وصال زینب السادات به فرزند شهیدش عزیز</p> <p>هدف فرعی:</p> <p>آگاهی بخشی خانواده‌های شهدا با اهداف و آرمانهای شهیدان</p>
		<p>بازدارنده:</p> <p>بازدارنده اصلی مربوط به هدف اصلی:</p> <p>نگهبان و قاری قبرستان؛ دو نفر مهاجم به زینب السادات</p> <p>بازدارنده‌ی فرعی مرتبط با هدف اصلی:</p> <p>توس زینب السادات</p>

به استناد تحلیل ساختاری ارائه شده مادر شهید تلاش می‌کند برای رفع دلتنگی هایش بر مزار فرزندش عزیز حضوری دائمی داشته باشد و در این مسیر یک لحظه هم کوتاه نمی‌آید و قاطعیت دارد اما کشمکش‌های ظاهری و حضور افراد مختلف برای جدادکردن او از فرزند شهیدش اثر گذار نمی‌شود مگر اینکه در عالم رؤیا فرزند شهید به خواب مادر می‌آید و از او می‌خواهد که شب‌های جمعه تا دیر هنگام بر سر مزار او نماند چرا که او از قافله عشق و دیدار امام حسین (ع) باز می‌ماند و این رویای روایت است که رمز آلودگی آن با تعبیر رویای مادر همراه می‌شود و پس از آتش زدن چادر مادر به سوگواری‌اش بر سکوی قبرستان ادامه می‌دهد و به تشریف دست می‌یابد و آن آرزویی است که فرزند شهیدش آرزو می‌کرده است تا در جوار او به شهادت برسد تا به لقا و دیدار امام نائل شود. در این روایت یاریگران و راهنمای مادر علقه و اراده استوار او در همجواری دائم در کنار فرزند شهیدش است و کسانی که بنا بر مصلحت تمایلی برای حضور این مادر بر مزار فرزندش ندارند نیز بازدارندگان هستند.

نتیجه گیری

در بررسی و تحلیل تمثیل رؤیا در رمان‌های «عطر گل یاس» حسن پور منصوری و «مادر» محمود گلاب دره‌ای از رهگذر روایت‌شناسی ساختاری با توجه به نظریه‌ی کنشگرای گرماس ابتدا به تعریفی جدید از «شخصیت» دست یافتیم. «نقش» ها و «کارکردها» ی شخصیت را در تعامل با دیگر کنش‌ها و کنشگرهای رمان‌ها شناسایی کردیم. آنچه از رهگذر این نوع نگرش حاصل شد در نهایت مشخص کرد که «شخصیت» مهم‌ترین رکن ساختاری رمان‌های «عطر گل یاس» و «مادر» است. کنشگر اصلی در این روایت عطر گل یاس «مائده الهی» و در مادر شخصیت زینب السادات است همه اتفاقات و رویدادها در کنش و تعامل به این شخصیت به وجود می‌آید. مائده با باغبان پیر و صاحب‌دل ملاقات می‌کند و از او می‌خواهد که قلمه‌ای از گل رز برایش تهیه کند. این مائده است که تلاش می‌کند با پرورش گل رز سرخی که مورد علاقه‌ی پدرش است از دلتنگی‌هایش دور شود و در نهایت با پدر شهیدش سخن بگوید و در نهایت مائده است که با تقدیم گل رز سرخ به معلمش با پدرش همکلام می‌شود و عطر گل یاس را استشمام می‌کند و به درجه «تشریف» می‌رسد. شی ارزشی (هدف): هدف اصلی این روایت در پرورش گل رز و تقدیم این گل توسط مائده به معلمش، خلاصه می‌شود. مائده با پرورش این گل تمایل به وصال معنوی با پدر شهیدش را دارد و به این هدف نائل می‌شود. از این رو هدف اصلی این روایت «وصال معنوی مائده الهی به پدر شهیدش» است که در نبین تمثیل رؤیا

آخرین مرحله از یک روایت شکل گرفته بر اساس این نگرش است. در روایات مادر هم زینب السادات به وصال فرزند شهیدش بعد از شهادت می‌رسد و با او هم کلام می‌شود. نوع رابطه کنشگر اصلی با اهداف در این رمان‌ها ارتباط «اتصال» است. چرا که پیوند بین «مائده الهی» «زینب السادات» با اهدافشان «وصال معنوی با شهداست» در یک راستا می‌باشد. ازاینرو جنس کنش‌های مائده و زینب السادات با اهداف از یک نوع است و رابطه اتصال را اثبات می‌کند. * جانشینی / همنشینی: از آنجایی که رابطه‌ی بین کنشگران اصلی و اهداف از نوع اتصال است؛ بنابراین رابطه همنشینی وجود دارد. * کامل / ناقص: دستیابی مائده الهی و زینب السادات به اهدافشان به صورت کامل صورت می‌پذیرد. در انتهای روایت مائده با پدرش سخن می‌گوید و به نقل از کلام پدر تصمیم می‌گیرد گل رز را به معلمش تقدیم می‌کند و زینب السادات تصمیم می‌گیرد شب‌های جمعه تا صبح در کنار مزار فرزندش قرار نماند. * قاطعیت / شک تردید: کنشگران اصلی در دستیابی به اهدافشان دچار تزلزل نشده و قاطعیت دارند. * محور انتقال: فرستنده / گیرنده: آنچه باعث می‌شود مائده تلاش کند تا به وصال معنوی با پدر شهیدش نائل شود و او را به انجام این هدف سوق می‌دهد «دلتنگی مائده الهی» است. لذا فرستنده در این روایت «دلتنگی‌های مائده الهی» است. همچنین پس از دستیابی مائده به هدفش که گفتگو و وصال معنوی با پدر شهیدش است؛ خودش و مادرش (سرور) و باغبان پیر و دایی عباس هستند؛ که شادمان و مشعوف می‌شوند؛ لذا گیرنده یا (ذینفع‌های) اصلی مرتبط با هدف اصلی این روایت، مائده الهی، مادرش، دایی عباس، و باغبان پیر هستند. در روایت مادر هم «زینب السادات» با «دل تنگی‌های فراوان و دوری از فرزندش» به ملاقات فرزندش می‌رود و این موضوع عامل اصلی و فرستنده محسوب می‌شود. محور قدرت: یاریگران و بازدارندگان: یاریگران و همراهان مائده الهی در دستیابی به هدفش در این روایت «باغبان پیر و صاحب‌دل آقای سید علی رضوی»، «سرور» مادر مائده و «دایی عباس» هستند. آن‌ها تلاش می‌کنند با تشویق و همراهی با مائده در پرورش گل رز سرخ به او کمک می‌کنند؛ لذا یاریگران مائده در دستیابی او به هدف اصلی باغبان پیر آقای سید علی رضوی، سرور، دایی عباس هستند. لذا با تکیه بر نگرش تمثیل رؤیا یاریگران مائده به ویژه سید علی رضوی هم درعالم واقع و هم در عالم رؤیا به عنوان «راهنما و مرشد» معرفی می‌گردد. در روایت مادر هم «خانواده شهدا و درد دل» های آنان به عنوان یاریگر و راهنمای او در عالم رؤیا است. حقیقت واصله پس از بازگشت به عالم حقیقت بعد از رؤیا در هر دو روایت حقیقت زندگی بعد از مرگ و تعبیر آیه شریف قرآن است که می‌فرماید «آن‌ها زنده‌اند و در نزد پروردگارشان روزی می‌خورند».

منابع و مأخذ

- احمدی، بابک، (۱۳۸۰) ساختار و تاویل متن، تهران: نشر مرکز. چ دوم
- اشمیتس، توماس، (۱۳۹۰)، درآمدی بر نظریه‌ی ادبی جدید و ادبیات کلاسیک. ترجمه، حسین صبوری، صمد علیون، دانشگاه تبریز.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۶)، رساله در تاریخ ایران، ترجمه جلال ستاری، تهران: سروش.
- الیاده، میرچا (۱۳۶۸)، آیین‌ها و نمادهای آشنا سازی، ترجمه نصرالله ززنگویی، تهران: آگه.
- برومند، فیروزه، (۱۳۸۴)، کتابشناسی دفاع مقدس (۱۳۸۱-۱۳۵۹)، تهران: انتشارات قدیانی، صریر.
- پور منصوری، حسن، (۱۳۸۰)، عطر گل یاس، قم: انتشارات بوستان کتاب.
- حمیدی، سید جعفر، (۱۳۸۴)، «تمثیل رؤیا در شعر معاصر ایران»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، شماره ۹ و ۱۰:۱۱۴.
- خادمی کولایی، مهدی، (۱۳۹۱)، فرهنگ داستان نویسان دفاع مقدس (۱۳۵۹-۱۳۵۸)، تهران: انتشارات شاهد.
- زاغیان، مریم، (۱۳۸۷)، کتابشناسی زن و دفاع مقدس، تهران، بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
- فرهودی پور و دیگران (۱۳۹۶) «اصلاح یک خطا، سرچشمه نوع ادبی تمثیل رؤیا کجاست؟»، ادبیات تطبیقی، شماره ۱۶: ۴.
- کالر، جانانان، (۱۳۹۰)، بوطیقای ساختگرا، ترجمه کورش صفوی، تهران: نشر مینوی خرد.
- گرین، کیت؛ لبیهان، جیل، (۱۳۷۳)، درسنامه نظریه ادبی، تهران: نشر روزنگار.
- گلاب دره ای، محمود، (۱۳۸۴) مادر، تهران: سروش.
- GRIEMAS, ALGRIDAS, JULIEN Structural Semantics: (19۷۰) An Attempt at a Method. trans. Daniele McDowell, Ronald Schleifer, and Alan Velie. Lincoln, Nebraska: University of Nebraska Press.
- GRIEMAS, ALGRIDAS, JULIEN, (1989)« ON NARRATIVITY» NEW LITARARY, HISTORY20, (1989) SPRNG,P 551.
- HEBERT, LOUISWITH, OTHERS, (2011), TOOLS FOR TEXT AND IMAGE ANALYSIS AND INTRODOCTION TO APLPLID SEMIOTICS, TRANSLATE BY JULIE TABLER UNIVERSITE DU A ROMOUSKI.



An analysis of the dream allegory Hassanpour Mansouri and Mahmoud Golab Darei's Novels in "Jasmine's Fragrance" Relying on Gramsci's activist theory

Horiyeh Keikha Farzaneh¹, Ahmad Reza Keikha Farzaneh², Mostafa Salari³

1. Phd student of Persian Language and literature, Zahedan branch, Islamic azad university, Zahedan, iran
2. Persian Language and literature, Zahedan branch, Islamic azad university, Zahedan, iran.
3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Zahedan Branch, Islamic Azad University, Zahedan Iran.

Abstract

The Dream of the Transcendent; The Journey to the Transcendental World; The Return to the Awakening World; On the other hand, it is linked to the concepts of discovery and perfection and to the attainment of spiritual and divine knowledge. In reflection, this literary genre is evoked as a parable of the protagonist or narrative actor to step into the dream world beyond awakening to the truth. And cognition and return to the awakening on the way to return with a profound and meticulous cognition of the opened codes; Travel guide and mentor spiritual "leader and" anti-hero inhibitor and spiritual interests are helpful and appeal. The sharing of structure and homogeneity in the themes of literary allegory formation and the structuralist model of Garmas's activism led to the modeling of this theory to explain the trajectory of the main character of the narratives (Atrgol Yas by Hassanpour Mansouri & Maddar» Mahmoud). Let's go through the valley and analyze the various aspects of the narrative in the three axes of "desire", "transition" and "power" so that the aspects of

Keyword: Allegory of Roya, Novel, Hassanpour Mansouri, Mother, Garmas Activism Pattern